



کروبی هیچ توصیه و نظری درباره انتخابات ندارد

حسین کروی، فرزند مهدی کروی درباره آخرین وضعیت جسمانی پدرش در گفت‌وگو با ایلنا گفت: «آقای کروی در حال حاضر از لحاظ جسمی و روحی مشکل خاصی ندارند و شکر خدا خوب هستند. ایشان زمانی که در خانه‌ای در جماران سکونت داشتند، به دلیل هم‌سطح نبودن منزل چندین بار زمین خوردند که باعث شکستگی در ستون فقرات و دست و پا شد و به همین خاطر مجبور شدند به آپارتمانی که اختلاف سطح ندارد، منتقل شوند و خوشبختانه تا الان برای پدرم دیگر حادثه‌ای رخ نداده است.» کروی گفت: «پدرم از ابتدای حصر به دلیل اینکه فرآیند قضایی حصر انجام نشده بود و تا الان هم به صورت غیرقانونی این روند ادامه دارد، همیشه معترض بودند و بارها خواهان محاکمه علنی شدند. از چند سال پیش هم گشایش‌هایی صورت گرفت؛ از جمله اینکه فرزندان و نوه‌ها هر موقع خواستند می‌توانند به منزل ایشان رفت‌وآمد داشته باشند و بعد از مدتی هم پیشنهاد کردند برخی از دوستان با موافقت و هماهنگی نیروهای امنیتی با پدر دیدار داشته باشند که تا الان هم به‌صورت خیلی محدودتر از گذشته این وضعیت ادامه دارد. آقای کروی در عین اینکه بر مواضع قبلی خودشان تکیه دارند، از گشایش‌های صورت گرفته استقبال و استفاده می‌کنند.» حسین کروی درباره آخرین مواضع آقای کروی درباره انتخابات گفت: «آقای کروی کم‌هزینه‌ترین راه برای رسیدن به دموکراسی و احقاق حقوق مردم را انتخابات می‌دانست و همیشه هم بر این موضوع اصرار داشت و در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ هم از آقای همتی حمایت کردند. ولی در حال حاضر که حتی حصر روحانی و علی‌الرحمانی را هم نمی‌توانند تحمل کنند ایشان موضعی درباره انتخابات ندارند و سکوت کرده‌اند. هیچ توصیه‌ونظری درباره انتخابات پیش‌روی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان ندارند.»



زمان، زمان اصلاح‌طلبان نیست

احمد زیدآبادی، فعال سیاسی در کانال تلگرامی خود نوشت: «اختلافی که بین اصلاح‌طلبان بر سر حضور یا عدم حضور در پیای صندوق‌های رأی در ۱۱ اسفند بروز کرده است، برای جامعه بی‌معنا و بی‌اثر، برای اصولگرایان مایه تفریح و سرگرمی و برای خودشان اسباب نقاری تازه و بی‌دلیل است. با حضور یا عدم حضور آنها در انتخابات، قرار نیست هیچ اتفاق تعیین‌کننده‌ای رخ دهد. بخشی از سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان به دلایل مختلف سوخته و بخشی دیگر به محاق رفته است. سرمایه سوخته را با مواضع رادیکال نمی‌توان احیاء کرد و سرمایه به محاق رفته نیز از طریق جنجال بر سر انتخابات بسج نمی‌شود. به نظر طیف وسیعی از اصلاح‌طلبان همچنان فاقد تحلیل منسجم از شرایط داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، فاقد استراتژی معطوف به نتایج بلندمدت و اسیر سیاست روزمره‌اند و همین موضوع سبب شده است که هم به نقش سلبی یا ایجابی خود بیش از اندازه‌ی واقعی آن بها دهند و هم در دو جهت معکوس، برای خود هزینه‌تراشی کنند. وقتی زمان، زمان شما نباشد، هرگونه تقلاوبی تابی فقط کار را خراب‌تر می‌کند. برخی گمان می‌کنند در هر زمین و زمانی مسئولیتی تاریخی برای انجام عملی خاص بر دوش دارند، بنابراین بی‌موقع و بی‌جهت و بی‌پروا خود را به وسط بازی پرتاب می‌کنند و هر نتیجه‌ای هم که به بار آید، آن را به پای دستاوردها و افتخارات خود می‌نویسند، حتی اگر عواقب کار برای مملکت خراب‌تر شده باشد. نیمی از گرفتاری‌های جامعه ما در این ۱۵۰ ساله‌ی اخیر نتیجه‌ی همین رفتارهاست اما به جای آسیب‌شناسی و نقد آنها، یکریز به آنها می‌بالیم و افتخار می‌کنیم، به نظر من، زمان اکنون، زمان بازی اصلاح‌طلبان نیست همانطور که در سال ۹۶ نبود، اما با مقداری صبر و شکیبایی و طمأنینه زمان نقش‌آفرینی آنها در آینده‌ای نزدیک فرا می‌رسد البته آن‌ها در موقع باقیمانده سرمایه‌ی به‌محاق رفته‌ی خود رانیز سوخته باشند!»

روبه‌رو هستید، حماسه‌ای که چندهمیلیون جمعیت در سراسر کشور به میدان آمدند، فتنه ۸۸ یک رخداد سپرده‌شده به تاریخ نیست، یک واقعه تاریخی است که باید از آنها اندرز بگیریم چون همان آدم‌ها هنوز هستند، حتی نتانیاهو صراحتاً گفت که «اصلاح‌طلب‌ها بزرگ‌ترین سرمایه اسرائیل در داخل ایران هستند.»

در راستای راستی‌آزمایی این ادعا، سایت آنتی‌فکت این موضوع را بررسی کرد و در توضیح آن آورده است که بررسی و جست‌وجو برای یافتن چنین جمله مهمی از سوی دو سیاستمدار اسرائیلی بیان شده باشد، بدون نتیجه ماند و حتی رسانه‌های اسرائیلی نیز چنین جمله‌ای را به نقل از نتانیاهو و یا شیمون پرز بیان نکرده‌اند. البته در همین گزارش به این اشاره شده که مدعی این موضوع بر این استناد کرده است که سندی از ویکی‌لیکس وجود دارد. این سایت در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۹۰ در یکی از اسناد خود جمله «اصلاح‌طلبان سرمایه اسرائیل در ایران هستند» را بیان کرده است، اما نکته اینجاست که ویکی‌لیکس مطلب و جمله منتشرشده را به نقل از روزنامه کیهان می‌داند. به عبارت دیگر، بازگشت سندی که می‌تواند مورد ادعای شریعتمداری و حامیان او باشد، به نوشته‌های مدیرمسئول کیهان برمی‌گردد و ردی از چنین جمله‌ای در سندی دیده نمی‌شود.

روحانی و رفع حصر

تقریباً ۱۸ ماه پس از اینکه حسن روحانی کار خود را در دولت آغاز می‌کند، حسین شریعتمداری برای سخنرانی در ایام دهه فجر سال ۱۳۹۳ به قم می‌رود و ادعایی را در باره حصر میر حسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروی مطرح می‌کند و می‌گوید: «به جرأت می‌گویم که آقای روحانی موافق رفع حصر نیست و به‌عنوان رئیس جمهوری می‌داند که حصر سران فتنه کمترین مجازات وطن‌فروشی آنهاست. روحانی خودش از کسانی بوده که به آن حکم داده، برخی این ماجرا را مطرح می‌کنند تا مسئله اصلی فراموش شود.»

راستی‌آزمایی این موضوع کار چندان سختی نیست و نیازی به جست‌وجو در منابع خارجی ندارد. با توجه به اینکه جمله حسین شریعتمداری به زمان حال (سال ۱۳۹۳) مربوط است و جمله «به جرأت می‌گویم که آقای روحانی موافق رفع حصر نیست» را بیان کرده و ارتباطی به سال ۱۳۸۹ و آغاز دوره حصر ندارد، نتیجه صحت‌سنجی به اینجا منتهی می‌شود که اصولاً از سال ۱۳۹۲ و زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آن سال، حسن روحانی هیچ‌گاه در موافقت با حصر کلامی نگفته و همچنین مخالف ادامه حصر بوده است. حسن روحانی پیش از انتخابات آن سال، در یکی از سخنرانی‌های خود حرفی را زده بود که کاملاً برخلاف ادعای شریعتمداری است. او گفته بود: «ادامه این شکاف به نفع ما نیست، باید این شکاف که الان هم دارد روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود، از بین برود، من امیدوارم خود انتخابات بتواند فاصله‌ها را کم کند و دولت آینده بتواند یک فضای غیرامنیتی را در کشور به وجود بیاورد. به نظر من مشکل نیست، شرایطی را در یک‌سال آینده فراهم کرد که نه تنها آنها که در حصر هستند آزاد شوند، بلکه حتی آنها که به خاطر سال ۸۸ در زندان هستند، آنها هم آزاد شوند.» حسن روحانی، چهار سال بعد و در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶، هرچند مانند سال ۱۳۹۲ وعده رفع حصر را نداد اما باز هم کلمه‌ای را نگفت که تاییدی ناچیز بر ادعای حسین شریعتمداری باشد. او ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ در تریبونی زمانی که با شعار رفع حصر مواجه شد، گفته بود: «من در خرداد ۱۳۹۲ به مردم قول دادم و گفتم که گره پرونده هسته‌ای را باز و دیوار تحریم‌های آن را خراب و روابط و تعامل با جهان را بهتر خواهیم کرد. من گفتم گام‌هایی در اقتصاد، کشاورزی و بهداشت و درمان برخواهم داشت و شرایط بهتری ایجاد خواهیم کرد، اما بازوی من قدرت بعضی چیزها را نداشت.» به عبارتی او می‌گوید تلاش کرده اما تلاش‌هایش برای پایان حصر نتیجه نداده است.

نباید دوتو به خیر، گفت‌وگو و منافع ملی که فصل مشترک دلسوزان کشور و فعالان سیاسی است، با نگاه رسانه‌ای با تیتیر «فصاحسازی علیه احزاب در آستانه انتخابات» برای مخاطب وارونه جلو داده شود. آیا هم‌میهن‌نبدیشیده است که مخاطبان امروز دسترسی به محتوای صحیح دارند و به سرعت درمی‌یابند میان نادرست و سخن درست فاصله است؟ آیا یک رسانه قانونی در کشور که باید متعهد به آگاهی، امید و اعتماد باشد، می‌تواند در گزارش خود به مردم این چنین عدم صداقت به خرج داده و قلم خود را به شکاف‌افکنی و ابهام‌آفرینی بچرخاند؟ در انتها با تأکید بر اخلاق سیاسی و لزوم در نظر داشت رساله‌ای، یادآور می‌شود: وزارت کشور تمرکز خود را بر اجرای دقیق راهبردهای چهارگانه مشارکت، امنیت، سلامت و رقابت انتخابات طبق فرامین مقام معظم رهبری قرار داده است و در این مسیر ضمن زمینه‌سازی برای تحقق حداکثری میدان باز فعالیت سیاسی در کشور برای همه سلاقی و نگرش‌ها، در مسیر اجرای روند انتخابات، به مز قانون اهتمام اساسی دارد.



تصویر دیدار خاتمی با گرگوری ناگی، استاد ادبیات یونان باستان که ادعا شده بود مربوط به دیدار خاتمی و سوروس بوده است.

«حمایت است نه تضعیف» ادعایی بزرگ را درباره این شعار مطرح می‌کند و می‌نویسد: «وقتی برای اولین بار، بعد از انتشار متن توافقنامه ژنو به تحلیل محتوای آن پرداختیم و به اسناد و شواهدی اشاره کردیم که نشان می‌داد امتیاز داده‌ایم و حتی وعده نسبی هم نگرفته‌ایم، برخی از مسئولان محترم و شماری از جریانات سیاسی - تقریباً همه - با سلیقه‌های متفاوت و حتی متضاد به کیهان حمله کردند که چرا سناز مخالف کوک می‌کند و تلاش بی‌وقفه و پی‌گیر تیم هسته‌ای کشورمان و دستاورد بزرگی را که بعد از چالش ده‌ساله به دست آمده، نادیده می‌گیرد؟! و این در حالی بود که کیهان تلاش و زحمات تیم مذاکره‌کننده را شایسته تقدیر می‌دانست ولی اسنادی را ارائه می‌کرد که نشان می‌داد، حریف از خوشبینی و صداقت آنان سوءاستفاده کرده و آرزوهای بر زمین مانده خود درباره فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را با بهره‌گیری از لیکندهای فریبکارانه در توافقنامه ژنو گنجانده است. آنان که توافقنامه را مثبت و برخوردار از دستاوردهای بی‌سابقه ارزیابی می‌کردند، به جای پاسخ در مقابل استدلال‌های متکی بر اسنادی که کیهان ارائه کرده بود، به مخالفت اسرائیل با توافقنامه استناد می‌کردند! و حتی برخی از مدعیان اصلاحات و اصحاب فتنه، به توصیه روزنامه انگلیسی گاردین، شعار «کیهان، اسرائیل پیوندتان مبارک!» سردادند!»

نکته مهم این ادعا، پیرامون روزنامه گاردین است. برای راستی‌آزمایی این ادعا، آرشینو روزنامه گاردین را در تمام مدت مذاکرات ژنو، پیش و پس از آن مورد بررسی قرار دادیم و به یک پاسخ مشخص رسیدیم، در هیچ کدام از گزارش‌ها، خبرها، مقاله‌ها و به صورت خلاصه بخش‌های این روزنامه، خبری از چنین شعاری نیست. نکته دیگر اینکه، علاوه بر گاردین، جست‌وجو درباره ریشه داشتن این شعار در منابع غیرفارسی‌زبان به بن‌بست می‌خورد، به عبارت دیگر، ردی از این شعار در زبان‌های غیرفارسی نیز وجود ندارد.

سرمایه‌های اسرائیل در ایران

یکی دیگر از ادعاهایی که توسط حسین شریعتمداری در فضای پس از سال ۱۳۸۸ مطرح شده، هبنی بر ارتباط اصلاح‌طلبان و اسرائیل است. او از آن سال تاکنون بارها یک ادعایی را از طرق مختلف مطرح کرده است. برای مثال در ۷ آذر ۱۳۹۱ او در سرمقاله روزنامه‌اش می‌نویسد: «در جریان فتنه ۸۸، نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با صراحت اعلام کرد که «اصلاح‌طلبان بزرگترین سرمایه اسرائیل در ایران هستند!» و شیمون پرز، رئیس‌جمهور رژیم کودک‌کش اسرائیل گفت: «اصلاح‌طلبان به نمایندگی از اسرائیل با رژیم اسلامی ایران می‌جنگند!» این ادعا در تریبون رسمی صدوسیما هم مطرح شد، او ۹ دی ۱۳۹۹ در شبکه افق همین ادعا را تکرار کرد و گفت: «من معتقدم کسانی که در رأس این جریان بودند وطن‌فروشی کردند و برای همه آنها هم سند دارم، علتش هم این است که به‌مجرد اینکه برخی از حقایق روشن شد به‌تدریج عقب نشستند و شما به حماسه ۹ دی

تصویر دیدار خاتمی با گرگوری ناگی، استاد ادبیات یونان باستان که ادعا شده بود مربوط به دیدار خاتمی و سوروس بوده است.

سند مستحکم از این ملاقات داریم.»

حسین شریعتمداری در سرمقاله

۱۹ بهمن ۱۴۰۱
می‌نویسد: «کنت تیمرمن، یک روز پس از ملاقات شما با جورج سوروس در یادداشتی برای نشریه نیوزمکس (NEWSMAX) از انجام این ملاقات خبر می‌دهد. او درباره یک معامله بزرگ! که قرار است از طریق خاتمی با ایران انجام بپذیرد خبر می‌دهد و می‌نویسد: سوروس در همین هفته و در یک مراسم خصوصی صرف شام در بوستون درباره این «معامله بزرگ» با محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران گفت‌وگو کرد. یک ایرانی که در آن مراسم شام حضور داشت اظهار داشت خاتمی به ما گفت که آمریکا باید مذاکره با ایران را آغاز کند. تیمرمن می‌نویسد: استیون کلنز، مدیر برنامه راهبردی آمریکا در «بنیاد آمریکای نوین» هم در مراسم شام خاتمی با سوروس شرکت داشت و سخنان مقام ایرانی را تصدیق کرد. هومن مجد، روزنامه‌نگار آزاد هم که در طول اقامت خاتمی در آمریکا، مشاور و مترجم او بود، گفت، سفر خاتمی به آمریکا از چند ماه قبل برنامه‌ریزی شده بود.»

برای راستی‌آزمایی و بررسی این موضوع، ابتدا به سراغ سایت NEWSMAX رفتیم. نتیجه بررسی در این سایت به اینجا منتهی شد که در هیچ‌یک از یادداشت‌ها، گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد. برای بررسی بیشتر به سراغ سایت تیمرمن رفتیم که آرشینو تمام یادداشت‌ها و مقاله‌های او از ابتدا در آن وجود دارد. او در تمام یادداشت‌هایی که نوشته، ۵ بار نام سیدمحمد خاتمی دیده می‌شود، وارد این یادداشت‌ها شدیم اما در هیچ‌کدام از آنها نامی از جورج سوروس و دیدار مورد ادعای حسین شریعتمداری نیامده است. به عبارتی، ظاهر چنین یادداشتی از سوی کنت تیمرمن نوشته نشده و یا اگر هم نوشته شده، هیچ رد و نشانی از چنین سندی وجود ندارد و یا شاید از بین رفته است!

مقاله‌هایی که درباره

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره

گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد

شریعتمداری! شما بارها به کذب و دروغ مدعی شدید جناب آقای خاتمی با سوروس دیدار داشته‌اند. با وجود تکذیب رسمی ایشان و همه افرادی که در جریان هستند از جمله بنده کمترین که مستشار مومن و مشاور ارشد سیاسی ایشان بوده‌ام و کاملاً آن را رد کرده‌اند و کرده‌ام، مجدداً بر این خلاف‌گویی پافشاری کرده‌اید. پرسش اصلی اینجانب این است: این دیدار در کجا و در چه زمانی با حضور چه افرادی انجام شده است که هیچ نهاد امنیتی و مسئولی جز شما از آن خبر ندارد.»

چند روز بعد و در ۲۱ دی ۱۴۰۰ حسین شریعتمداری باز هم ادعای پیشین خود را تکرار می‌کند. او در نشست مدیران رسانه‌ها با رئیس سازمان بسیج گفته بود: «آقای خاتمی دو بار با جورج سوروس (سرمایه‌دار صهیونیست آمریکایی و پشتیبان و تامین‌کننده مالی فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸) ملاقات داشته است. ایشان از ما شکایت کرده که وانمود کند خبر کیهان بی‌اساس است ولی شکایت خود را پیگیری نمی‌کند چون می‌داند که ما یک زونکن سند مستحکم از این ملاقات داریم.»

اما این آخرین ادعای شریعتمداری در این ارتباط نبود، او ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ در سرمقاله روزنامه کیهان برای اینکه ادعای خود را درباره دیدار خاتمی و سوروس مستند کند، دو دلیل آورد. در بند «ب» سرمقاله خود نوشته بود: «کنت تیمرمن، رئیس میز امور خاورمیانه و مسئول میز ایران در پنتاگون، رئیس میز ایران در سازمان جاسوسی «سیا»، نویسنده کتاب معروف «معمای ایران»، مدیر اجرایی بنیاد دموکراسی برای ایران، نظریه‌پرداز مؤسسات «امریکن اینترپرایز» و «قرن جدید آمریکا» و همکار مایکل لیدین و...»

یک روز پس از ملاقات شما با جورج سوروس در یادداشتی برای نشریه نیوزمکس (NEWSMAX) از انجام این ملاقات خبر می‌دهد. او درباره یک معامله بزرگ! که قرار است از طریق خاتمی با ایران انجام بپذیرد خبر می‌دهد و می‌نویسد: سوروس در همین هفته و در یک مراسم خصوصی صرف شام در بوستون درباره این «معامله بزرگ» با محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران گفت‌وگو کرد. یک ایرانی که در آن مراسم شام حضور داشت اظهار داشت خاتمی به ما گفت که آمریکا باید مذاکره با ایران را آغاز کند. تیمرمن می‌نویسد: استیون کلنز، مدیر برنامه راهبردی آمریکا در «بنیاد آمریکای نوین» هم در مراسم شام خاتمی با سوروس شرکت داشت و سخنان مقام ایرانی را تصدیق کرد. هومن مجد، روزنامه‌نگار آزاد هم که در طول اقامت خاتمی در آمریکا، مشاور و مترجم او بود، گفت، سفر خاتمی به آمریکا از چند ماه قبل برنامه‌ریزی شده بود.»

برای راستی‌آزمایی و بررسی این موضوع، ابتدا به سراغ سایت NEWSMAX رفتیم. نتیجه بررسی در این سایت به اینجا منتهی شد که در هیچ‌یک از یادداشت‌ها، گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد. برای بررسی بیشتر به سراغ سایت تیمرمن رفتیم که آرشینو تمام یادداشت‌ها و مقاله‌های او از ابتدا در آن وجود دارد. او در تمام یادداشت‌هایی که نوشته، ۵ بار نام سیدمحمد خاتمی دیده می‌شود، وارد این یادداشت‌ها شدیم اما در هیچ‌کدام از آنها نامی از جورج سوروس و دیدار مورد ادعای حسین شریعتمداری نیامده است. به عبارتی، ظاهر چنین یادداشتی از سوی کنت تیمرمن نوشته نشده و یا اگر هم نوشته شده، هیچ رد و نشانی از چنین سندی وجود ندارد و یا شاید از بین رفته است!

برای راستی‌آزمایی و بررسی این موضوع، ابتدا به سراغ سایت NEWSMAX رفتیم. نتیجه بررسی در این سایت به اینجا منتهی شد که در هیچ‌یک از یادداشت‌ها، گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد. برای بررسی بیشتر به سراغ سایت تیمرمن رفتیم که آرشینو تمام یادداشت‌ها و مقاله‌های او از ابتدا در آن وجود دارد. او در تمام یادداشت‌هایی که نوشته، ۵ بار نام سیدمحمد خاتمی دیده می‌شود، وارد این یادداشت‌ها شدیم اما در هیچ‌کدام از آنها نامی از جورج سوروس و دیدار مورد ادعای حسین شریعتمداری نیامده است. به عبارتی، ظاهر چنین یادداشتی از سوی کنت تیمرمن نوشته نشده و یا اگر هم نوشته شده، هیچ رد و نشانی از چنین سندی وجود ندارد و یا شاید از بین رفته است!

برای راستی‌آزمایی و بررسی این موضوع، ابتدا به سراغ سایت NEWSMAX رفتیم. نتیجه بررسی در این سایت به اینجا منتهی شد که در هیچ‌یک از یادداشت‌ها، گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد. برای بررسی بیشتر به سراغ سایت تیمرمن رفتیم که آرشینو تمام یادداشت‌ها و مقاله‌های او از ابتدا در آن وجود دارد. او در تمام یادداشت‌هایی که نوشته، ۵ بار نام سیدمحمد خاتمی دیده می‌شود، وارد این یادداشت‌ها شدیم اما در هیچ‌کدام از آنها نامی از جورج سوروس و دیدار مورد ادعای حسین شریعتمداری نیامده است. به عبارتی، ظاهر چنین یادداشتی از سوی کنت تیمرمن نوشته نشده و یا اگر هم نوشته شده، هیچ رد و نشانی از چنین سندی وجود ندارد و یا شاید از بین رفته است!

برای راستی‌آزمایی و بررسی این موضوع، ابتدا به سراغ سایت NEWSMAX رفتیم. نتیجه بررسی در این سایت به اینجا منتهی شد که در هیچ‌یک از یادداشت‌ها، گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد. برای بررسی بیشتر به سراغ سایت تیمرمن رفتیم که آرشینو تمام یادداشت‌ها و مقاله‌های او از ابتدا در آن وجود دارد. او در تمام یادداشت‌هایی که نوشته، ۵ بار نام سیدمحمد خاتمی دیده می‌شود، وارد این یادداشت‌ها شدیم اما در هیچ‌کدام از آنها نامی از جورج سوروس و دیدار مورد ادعای حسین شریعتمداری نیامده است. به عبارتی، ظاهر چنین یادداشتی از سوی کنت تیمرمن نوشته نشده و یا اگر هم نوشته شده، هیچ رد و نشانی از چنین سندی وجود ندارد و یا شاید از بین رفته است!

برای راستی‌آزمایی و بررسی این موضوع، ابتدا به سراغ سایت NEWSMAX رفتیم. نتیجه بررسی در این سایت به اینجا منتهی شد که در هیچ‌یک از یادداشت‌ها، گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد. برای بررسی بیشتر به سراغ سایت تیمرمن رفتیم که آرشینو تمام یادداشت‌ها و مقاله‌های او از ابتدا در آن وجود دارد. او در تمام یادداشت‌هایی که نوشته، ۵ بار نام سیدمحمد خاتمی دیده می‌شود، وارد این یادداشت‌ها شدیم اما در هیچ‌کدام از آنها نامی از جورج سوروس و دیدار مورد ادعای حسین شریعتمداری نیامده است. به عبارتی، ظاهر چنین یادداشتی از سوی کنت تیمرمن نوشته نشده و یا اگر هم نوشته شده، هیچ رد و نشانی از چنین سندی وجود ندارد و یا شاید از بین رفته است!

برای راستی‌آزمایی و بررسی این موضوع، ابتدا به سراغ سایت NEWSMAX رفتیم. نتیجه بررسی در این سایت به اینجا منتهی شد که در هیچ‌یک از یادداشت‌ها، گزارش‌ها و مقاله‌هایی که درباره جورج سوروس نوشته شده، نامی از کنت تیمرمن به‌عنوان نویسنده وجود ندارد. برای بررسی بیشتر به سراغ سایت تیمرمن رفتیم که آرشینو تمام یادداشت‌ها و مقاله‌های او از ابتدا در آن وجود دارد. او در تمام یادداشت‌هایی که نوشته، ۵ بار نام سیدمحمد خاتمی دیده می‌شود، وارد این یادداشت‌ها شدیم اما در هیچ‌کدام از آنها نامی از جورج سوروس و دیدار مورد ادعای حسین شریعتمداری نیامده است. به عبارتی، ظاهر چنین یادداشتی از سوی کنت تیمرمن نوشته نشده و یا اگر هم نوشته شده، هیچ رد و نشانی از چنین سندی وجود ندارد و یا شاید از بین رفته است!



موضوع منفی دارند. صراحت وزیر محترم کشور در اینکه وزارت کشور در هر حال حامی فعالیت حزبی است، نشان می‌دهد؛ تصویرسازی رسانه‌ای هم‌میهن با عبارت «تهدید» کاملاً خلاف واقع، ناشیانه و غیرصادقانه است. در واقع محدود احزابی که ممکن است در انتخابات موضع منفی تحریمی اتخاذ کنند، نه به واسطه برخورد یک نهاد قانونی، بلکه به واسطه انتخاب خود که متضاد با فلسفه وجودی کار حزبی است، خودخواسته از حق فعالیت حزبی دست می‌کشند.

این برخورد سطحی با رویکرد جناحی، در برابر سیاست عمومی دولت مبتنی بر میدان باز سیاسی، ابتدا از یک رسانه حرفه‌ای انتظار نمی‌رود.